عامل قتل با زهر مار: قصد تنبیه داشتم!

■ جلال مهرگان

قاتل اجاره‌ای و سه همدستش که سناریوی قتل پسر تاجر با تزریق سم افعی را اجرا کرده بودند، روز گذشته محاکمه شدند. عامل قتل در حالی که در جریان تحقیقات به جرمش اعتراف کرده بود، اتهام خود را انکار کرد.

چهارم شهریورماه دو سال قبل، مرگ پسر ۲۳ ساله‌ای به نام امید به پلیس تهران گزارش شد. امید ساعتی قبل در مسیر رفتن به خانه‌اش بیهوش و به بیمارستان فیروزگر منتقل می‌شود، اما جانش را از دست می‌دهد. خانواده او به پلیس گفتند پسرشان ورزشکار بود و سابقه بیماری نداشت برای همین به مرگ وی مظنون هستند.

پس از آن جسد به دستور بازپرس جنایی به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در این باره ادامه پیدا کرد. وقتی گزارش پزشکی قانونی در این باره منتشر شد، مشخص شد مرگ امید به دلیل سم خطرناکی که در بدنش کشف شده اتفاق افتاده است. هیچ آثار جراحتی روی بدن امید دیده نمی‌شد، برای همین پلیس به صورت ویژه ماجرا را بررسی کرد. کارآگاهان با بررسی دوربین‌های مداربسته به سرنخ ماجرا دست پیدا کردند. براساس فیلم به دست آمده، روز حادثه امید در مسیر حرکت به سمت خانه بود که دو موتورسوار به او تنه می‌زنند. بررسی دقیق‌تر فیلم نشان می‌دهد ترک‌نشین سرنگی به بدن امید وارد می‌کند که احتمال می‌رود سم از طریق همین سرنگ وارد بدن مقتول شده باشد. بعد از به دست آمدن این سرنخ، راکب و ترک‌نشین که ایمان و میلاد نام داشتند تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند. ایمان کارمند اخراجی آتش‌نشانی بود که در کار گرفتن مار مهارت زیادی داشت و همیشه در خانه‌اش از مار نگهداری می‌کرد. بعد از کامل شدن بررسی‌ها، مشخص می‌شود دو متهم در حالی که تلاش می‌کردند در شهرستان شیراز مردی پولدار را با تزریق سم مار به قتل برسانند، بازداشت شده‌اند که به تهران منتقل می‌شوند.

■ **طراح سناریو**

در شاخه دیگری از بررسی‌ها، کامران تحت تعقیب قرار می‌گیرد و بازداشت می‌شود. او در اولین تحقیقات نقش خود را در جنایت انکار می‌کند، اما در بررسی‌های فنی پلیس اعتراف می‌کند طراح نقشه‌ای بوده که به قتل امید منجر شده و ایمان و میلاد را برای این کار اجیر کرده است.

■ **اعتراف به قتل**

ایمان وقتی مورد تحقیق قرار می‌گیرد به ارتکاب قتل اعتراف می‌کند: «من از قبل کامران را می‌شناختم و می‌دانستم با برادرش که پدر امید بود، اختلاف دارد. او به من پیشنهاد داد در صورتی که امید را به قتل برسانم ۲ هزار دلار دستمزد می‌دهد که قبول کردم. تصور می‌کردم با اجرای یک سناریوی دقیق می‌توانم به نحوی مرتکب قتل شوم که کسی متوجه نشود. برای این کار به کرمان رفتم و یک مار افعی خریدم و سم او را گرفتم و در سرنگ ریختم و مطابق نقشه‌ای که طراحی کرده بودم به امید تزریق کردم. میلاد آمار امید را به من می‌داد. مغازه امید در میدان هفت‌تیر بود. میلاد گیتاری خریده بود و مقابل مغازه امید گیتار می‌زد و رفت و آمدش را کنترل می‌کرد و با من در میان می‌گذاشت. به این نحو من از ساعت رفت و آمد او باخبر بودم و روز حادثه هم مطابق همین آمار نقشه را اجرا کردیم.»

■ **محاکمه**

بعد از کامل شدن تحقیقات، بازپرس ایمان را به اتهام مباشرت در قتل و سه متهم دیگر را به اتهام معاونت در قتل مجرم شناخت و کیفرخواست علیه آنها صادر شد و پرونده برای رسیدگی روی میز قضات شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران قرار گرفت. صبح روز گذشته بعد از اینکه قاضی رسمیت جلسه را اعلام کرد نماینده دادستان خودش را به جایگاه رساند و از کیفرخواست دفاع و برای متهمان درخواست صدور مجازات کرد. سپس اولیای دم گفتند خواسته‌شان قصاص قاتل و اشد مجازات برای همدستان اوست.

■ **درخواست قصاص**

مادر مقتول به دادگاه گفت: «وقتی به من خبر دادند پسرم به بیمارستان منتقل شده، خودم را به آنجا رساندم. کامران هم آنجا بود و من می‌دانستم او در مرگ پسرم نقش دارد و همانجا از او شکایت کردم.»

■ **انکار قتل**

سپس ایمان در جایگاه حاضر شد و اتهام قتل را انکار کرد. او گفت: میلاد مرا با کامران آشنا کرد. کامران از من خواست امید را گوشمالی بدهم و در قبال این کار حاضر است ۲هزار دلار دستمزد بدهد که قبول کردم. کامران آدرس مغازه امید را به من داد که همراه میلاد محل را بررسی کردیم. برای مدتی هم میلاد همان حوالی ساز می‌زد و رفت و آمد او را کنترل می‌کرد تا اینکه یک روز تصمیم به اجرای نقشه گرفتیم. من آن روز سم افعی را در یک سرنگ ریختم. وقتی امید از محل کارش بیرون رفت، او را دنبال کردیم و به او تنه زدیم، به‌طوری که اصلاً متوجه نشد سرنگ را به او تزریق کردم. البته همه سم به بدنش نرفت، چراکه سر سرنگ کج شد. بعد از حادثه هم به شمال رفتم و چند روز بعد که برگشتم، فهمیدم فوت شده است.

■ **قصدمان تنبیه بود**

در ادامه میلاد در جایگاه حاضر شد. او گفت: من پیش کامران کار می‌کردم و او به من رسیدگی می‌کرد. با امیر هم در همدان آشنا شده بودم که او را به کامران معرفی کردم. کامران به دنبال کسی می‌گشت که امید را تنبیه کند. مدتی قبل از حادثه کامران و برادرش با هم اختلاف داشتند. امید هم در این میان دخالت می‌کرد و ایمان قرار بود امید را تنبیه کند، نه اینکه او را به قتل برساند. وقتی فهمیدم امید فوت شده، ترسیدم و به ترکیه رفتم، اما کامران به دنبالم آمد و خواست که به ایران برگردم. ترسیدم آنجا بازداشت شوم که به عراق رفتم و در آنجا بود که فهمیدم برایم اعلان قرمز صادر شده است. دیگر راه فراری نداشتم برای همین قاچاقی به کشور برگشتم و خودم را تسلیم کردم.

هیئت قضایی بعد از شنیدن دفاعیات متهم ادامه رسیدگی را به جلسه دیگری موکول کرد.

مادر نوزاد فروخته شده: معتاد بودم، فرزندم را فروختم!

■ غلامرضا مسکنی

پرونده نوزاد بیماری که زوجی جوان آن را در بیمارستان رها کرده و گریخته بودند با شناسایی مادر واقعی کودک وارد مرحله‌ای تازه شد. مادر طفل که به مصرف مواد اعتیاد دارد، مدعی است توان نگهداری از بچه را نداشته برای همین کودکش را در قبال ۱۰۰ میلیون تومان به زوجی که به معتادان کمک می‌کردند، فروخته است.

اواسط اردیبهشت‌ماه امسال کارمند حراست بیمارستانی در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر تهران با اداره پلیس تماس گرفت و از بازداشت زن و مرد جوانی خبر داد. او به مأموران گفت: «حدود نیم ساعت پیش، زن و مرد جوانی نوزاد شیرخواری را که از ناحیه دست و پا دچار سوختگی شده بود برای درمان به بیمارستان منتقل کردند، اما وقتی کارکنان بیمارستان از آنها شناسنامه نوزاد را درخواست کردند، می‌خواستند از بیمارستان فرار کنند که مانع خروج آنها از بیمارستان شدیم. الان احتمال می‌دهیم نوزاد حادثه‌دیده متعلق به این زن و مرد نباشد، به همین دلیل تصمیم گرفتیم موضوع را به پلیس خبر بدهیم.»

■ **خرید نوزاد به ۱۰۰ میلیون تومان**

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران راهی بیمارستان شدند و دریافتند زن و مرد جوان ساعتی قبل نوزاد پسر ۲۰ ماهه‌ای را که به گفته پزشکان با آب جوش دچار سوختگی شده بود برای درمان به بیمارستان منتقل می‌کنند، اما هنگامی که کارکنان بیمارستان از آنها مدارک شناسایی می‌خواهند، دست آنها رو و مشخص می‌شود آنها پدر و مادر واقعی نوزاد شیرخوار نیستند.

بدین ترتیب مأموران مرد جوان را به دستور قاضی عظیم سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند.

متهم در بازجویی‌ها وقتی با شواهد و مدارک روبه‌رو شد اعتراف کرد که نوزاد شیرخوار را ۱۸ ماه قبل به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان از زن جوانی خریده‌اند.

■ **شرط‌های غیرممکن**

مرد جوان به مأموران گفت: «سعید فرزند من و همسرم نیست و ما او را از دو ماهگی از زن جوانی به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان خریدیم و این نام را برای فرزندخوانده‌مان انتخاب کردیم. واقعیتش از ۱۰ سال قبل که من و همسرم ازدواج کردیم به‌خاطر نداشتن فرزند زندگی‌مان بی‌روح و سرد شده بود و در این مدت هم خیلی تلاش کردیم بچه‌دار شویم و بارها تحت درمان قرار گرفتیم، اما همسرم باردار نشد و ما به آرزویمان نرسیدیم. پس از این تلاش کردیم از طریق اداره بهزیستی پسر یا دختری را به فرزندخواندگی قبول کنیم، اما شرایط بهزیستی سخت بود و ما آن شرایط را نداشتیم. مثلاً باید خانه‌ای می‌داشتیم و به نام فرزند خوانده‌مان می‌زدیم که انجام این شرط برای ما غیرممکن بود، به همین دلیل موفق به گرفتن فرزندی از بهزیستی نشدیم. امیدمان را از دست داده بودیم، اما زندگی بدون فرزند برای ما معنا و مفهومی نداشت و خیلی نذر و نیاز کردیم که خداوند بچه‌ای به ما بدهد تا اینکه حدود ۱۸ ماه قبل با زن جوانی در یکی از پارک‌های جنوب تهران آشنا شدم. او وقتی فهمید من و همسرم بچه‌دار نمی‌شویم و خیلی دوست داریم فرزندی داشته باشیم، گفت زن و مردی را می‌شناسد که پسری دو ماهه دارند و به‌خاطر مشکلات مالی و تعداد زیاد فرزند قادر به نگهداری از او نیستند. زن جوان پیشنهاد داد می‌تواند نوزاد شیرخوار را به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان برای ما از پدر و مادرش بخرد و ما هم قبول کردیم و اینگونه سعید وارد زندگی ما شد.»

■ **شناسایی مادر نوزاد**

با اعتراف مرد جوان به خرید نوزاد شیرخوار، پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و تیمی از کارآگاهان به دستور بازپرس جنایی برای پیدا کردن مادر و پدر واقعی سعید دست به تحقیقات گسترده‌ای زدند.

با اطلاعاتی که مرد جوان داده بود، مأموران دریافتند زنی که به عنوان رابط پسر شیرخوار را به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان به زوج جوان فروخته، زن معتادی به نام مهرانه است که برای خرید مواد به یکی از پارک‌های جنوب شهر رفت و آمد دارد. بدین ترتیب مأموران محل رفت و آمد مهرانه را تحت نظر گرفتند و یک روز قبل او را شناسایی و بازداشت کردند. زن جوان در بازجویی‌ها ابتدا منکر فروش نوزاد شد، اما در ادامه اعتراف کرد خودش مادر نوزاد فروخته شده است.

وی صبح دیروز در دادسرای امور جنایی تهران مورد بازجویی قرار گرفت و اعتراف کرد به‌خاطر اعتیادی که داشته، نوزادش را در اختیار زوج جوان قرار داده است. بدین ترتیب بازپرس جنایی دستور داد تا بررسی صلاحیت مادر نوزاد و شناسایی پدر واقعی‌اش نوزاد ۲۰ ماهه در یکی از مراکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست اداره بهزیستی نگهداری شود. زن جوان برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان جنایی پلیس آگاهی قرار گرفت.

گفت‌وگو با متهم

ناکامی در ۲ ازدواج

مهرانه، مادر نوزاد شیرخوار مدعی است نوزادش را از جانش بیشتر دوست دارد، اما به‌خاطر مشکلاتی که داشته پسر دو ماهه‌اش را در اختیار زوج جوان قرار داده، اما به آنها نفروخته است.

مهرانه چطور شد که از نوزاد شیرخوارت گذشتی؟

من پسرم را از جانم بیشتر دوست دارم. همیشه نگران بزرگ شدن او بودم و نمی‌خواستم به سرنوشت امثال من مبتلا شود. من معتادم و زندگی خودم را به سختی اداره می‌کنم. می‌خواستم او خوشبخت شود و مثل من اسیر کوچه و خیابان و پارک نشود که او را تحویل زن و شوهر جوان دادم.

چرا معتاد شدی؟

از همان دوران جوانی در زندگی شانس یارم نبود. دوبار ازدواج کردم به امید اینکه سرپناهی داشته باشم، اما هر بار رودست خوردم و آنچه را که داشتم از دست دادم. جوان بودم که ۱۰ سال قبل با اصرار خانواده‌ام با مرد جوانی به نام اسکندر ازدواج کردم. با اینکه راضی به این ازدواج نبودم با همه سختی‌ها و بدبختی‌هایش ساختم، اما شوهرم خلافکار شد و مدتی بعد هم به موادمخدر اعتیاد پیدا کرد. می‌خواستم از او جدا شوم، اما طلاقم نمی‌داد و مجبور بودم با او بسازم تا اینکه کم‌کم مرا هم معتاد به شیشه کرد. وقتی معتاد شدم زندگی‌ام تباه شد و مدتی بعد هم همسرم مرا طلاق داد و برای همیشه رفت.

پس از این اعتیادم را ترک کردم و حدود دو سال قبل صیغه مرد دیگری شدم. قرار بود مدتی بعد عقد دائم کنیم و تصور می‌کردم زندگی خوبی را شروع می‌کنم، اما شوهر دومم دست بزن داشت و بعد هم فهمیدم او خلافکار است. وقتی فهمید باردار شده‌ام، مرا رها کرد و دیگر پیدایش نشد. دوباره به اعتیاد روی آوردم تا اینکه پسرم به دنیا آمد. مانده بودم با نوزاد شیرخوارم به کجا پناه ببرم که با زوج جوان آشنا شدم.

چطور با زوج جوان آشنا شدی؟

زوج جوان افراد خیر و خیرخواهی بودند. آنها هر هفته شب‌های جمعه به پارک‌های جنوب شهر می‌آمدند و برای معتادان و کارتن‌خواب‌ها غذای گرم می‌آوردند. چند باری به من غذای گرم داده بودند و وقتی فهمیدم بچه‌دار نمی‌شوند و تصمیم دارند بچه‌ای به فرزندخواندگی بگیرند به دروغ گفتم خانواده‌ای را می‌شناسم که توان نگهداری از فرزندشان را ندارند و می‌توانم فرزندشان را تحویل آنها بدهم.

فرزندت را به چه مبلغی فروختی؟

پولی نگرفتم. نمی‌دانم چرا مرد جوان به دروغ گفته ۱۰۰ میلیون تومان به من داده است.

چطور به آنها اعتماد کردی؟

همانطور که گفتم زن و شوهر جوان آدم‌های خوبی بودند و به معتادان و کارتن‌خواب‌ها کمک می‌کردند. وقتی فهمیدم مشکلی ندارند و از طرفی هم من درمانده بودم، پیشنهادم را دادم. البته قرار گذاشتم هفته‌ای یک‌بار نوزاد را ببینم و گفتم این شرط پدر و مادر بچه است و آنها هم قبول کردند و من هم هفته یک‌بار پسرم را می‌دیدم و آنها هم واقعاً مثل فرزندشان از او نگهداری می‌کردند.

کی متوجه شدی پسرت دچار سوختگی شده؟

یک روز بعد از حادثه متوجه شدم و حتی برای دیدنش به بیمارستان هم رفتم و فهمیدم که پلیس به آنها مشکوک شده و مرد جوان را دستگیر کرده است.

مخفیگاه سارق مسلح را به پلیس نشان دهید

پلیس آگاهی پایتخت از شهروندان درخواست کرد مخفیگاه سارق مسلح را که با پرسه در محله‌های تهران از شهروندان سرقت می‌کند، به پلیس گزارش دهند.

به گزارش «جوان»، سرهنگ مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: همزمان با اعلام گزارش‌های مشابه درباره سرقت مسلحانه از شهروندان تحقیقات برای شناسایی و بازداشت متهم به جریان افتاد. بررسی‌های پلیس نشان می‌دهد سارق مسلح، قربانیان خود را عمدتاً از بین زنان انتخاب و با تهدید اسلحه اموالشان را سرقت می‌کند. یکی از شاکیان که زنی جوان است، به پلیس گفت: خانه‌ام در شمال تهران است. روز حادثه تازه از سفر برگشته بودم و می‌خواستم با چمدان‌هایم وارد خانه شوم که سارق مسلح با تهدید اسلحه چمدان‌هایم را سرقت کرد و گریخت.

همزمان تحقیقات پلیس برای شناسایی و بازداشت متهم به جریان افتاد، اما مأموران موفق به بازداشت سارق مسلح نشدند. مأموران با بررسی دوربین‌های مداربسته فیلم کوتاهی از سارق هنگام ارتکاب عمل مجرمانه به دست آوردند. در شاخه دیگری از تحقیقات دستور انتشار تصویر بدون پوشش متهم از سوی قاضی صادر شد و پلیس از شهروندان خواست در صورت شناسایی متهم اطلاعات خود را از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ یا شماره‌های ۰۲۱۵۱۰۵۵۵۰۱ یا ۰۲۱۵۱۰۵۵۱۲۳ به پلیس آگاهی اطلاع دهند.

دستگیری مظنون به قتل پیرزن در کمپ ترک اعتیاد

■ آرمین بینا

مأموران پلیس تهران در پرونده مفقودی زن میانسال پولداری که از هفت سال قبل به طرز مرموزی ناپدید می‌شود، مستاجر او را که با هویت جعلی کمپ ترک اعتیادی را تأسیس کرده به عنوان مظنون بازداشت کردند. بررسی‌ها حکایت از آن دارد متهم که به دروغ به بستگانش گفته بود برای زندگی به خارج از کشور رفته است با سرقت اموال زن گمشده با هویت جعلی کمپ ترک اعتیادی تأسیس کرده است.

یکی از روزهای تابستان سال ۹۷، مأموران پلیس تهران از گم‌شدن زن میانسال پولداری باخبر شدند و تحقیقات خود را برای پیدا کردن ردی از او آغاز کردند.

فرزند زن گمشده در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «مادرم پروانه یک روز قبل برای انجام کاری از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت. من و بستگانم خیلی تلاش کردیم ردی از او پیدا کنیم، اما موفق نشدیم. من متوجه شدم روز حادثه مادرم تمامی طلاها و دلارهایی را که در خانه داشته همراه خود بیرون برده است. الان احتمال می‌دهم برای او اتفاق بدی رخ داده باشد.»

■ **آخرین ملاقات**

با طرح این شکایت، مأموران به دستور بازپرس جنایی تحقیقات گسترده‌ای را برای پیدا کردن زن میانسال آغاز کردند. بررسی‌ها نشان داد پروانه زن پولداری است که روز حادثه با یکی از مستاجرانش به نام فرمان قرار ملاقات داشته است. بدین ترتیب مأموران فرمان را احضار و از وی تحقیق کردند، اما فرمان ادعا کرد روز حادثه با زن گمشده برای تمدید قرارداد خانه‌اش قرار داشته و همراه او برای تمدید قرارداد به دفتر وکیل پروانه رفته است و دیگر خبری از او ندارد.

در ادامه بررسی‌ها مشخص شد زن میانسال روز حادثه به دفتر وکیلش مراجعه نکرده و به طرز مرموزی گم شده است. تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، اما مأموران هیچ ردی از زن میانسال پیدا نکردند تا اینکه در بررسی‌های میدانی دریافتند پروانه قرار بوده مستاجر جدیدی برای خانه‌اش بیاورد و به همین دلیل با فرمان اختلاف پیدا می‌کند. با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران فرمان را به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار دادند، اما متوجه شدند وی پس از حادثه محل زندگی‌اش را تغییر داده و به بستگانش اعلام کرده برای زندگی به خارج از کشور می‌رود.

■ **۷ سال بعد**

پرونده زن گمشده همچنان روی میز کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی باز بود تا اینکه پس از گذشت حدود هفت سال از حادثه، مدتی قبل آنها باخبر شدند فرمان از کشور خارج نشده و از همان زمان با هویت جعلی زندگی می‌کند. مأموران در ادامه تحقیقات فنی متوجه شدند مظنون چند سال قبل کمپ ترک اعتیادی را با هویت جعلی در اطراف تهران تأسیس کرده و اینگونه زندگی مخفیانه‌اش را ادامه داده است.

بررسی‌ها، شواهد و دلایل حکایت از آن داشت مرد جوان در حادثه‌ای صاحبخانه‌اش را به قتل رسانده و پس از سرقت اموال او، کمپ ترک اعتیادی را با هویت جعلی تأسیس کرده است.

با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران راهی کمپ ترک اعتیاد شدند و فرمان را که مدیریت آنجا را به عهده داشت به اتهام قتل زن پولدار بازداشت کردند. تحقیقات از متهم به دستور بازپرس جنایی در حالی ادامه دارد که وی از سرنوشت صاحبخانه قبلی‌اش ادعای بی‌خبری می‌کند. تحقیقات درباره این حادثه برای روشن شدن زوایای پنهان آن از سوی مأموران ادامه دارد.

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
۸۸۵۴۵۴۸۸

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان
۸۸۴۹۸۴۷۵

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۴۹۹۵ تاریخ ۱۴۰۳/۷/۱۹ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۲۷۱۷۵۶۴۰۹۲۸۸۵۴۰۴۹۷۹۲۹۷۶۶۸ تصرفات مالکانه وبلا معارض متقاضی آقای تاج بردی توکلی فرزند رجب قلی به شماره شناسنامه ۱۰۹ کد ملی ۴۹۷۹۲۹۷۶۶۸ صادره آق قلا درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۱۱۳،۳۸ مترمربع مفروز ومجزی شده جزیی ازپلاک شماره ۲ اصلی واقع دراراضی قریه دوگونچی بخش ۶ حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا ازسهمی رجب قلی توکلی تایید گردیده است ،لذا به منظور اطلاع مراتب دردونوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود، ازاین رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند، از تاریخ انتشاراولین اگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس ازاخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۰۲/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴/۰۳/۱۳
مهناز جهانفر
رییس اداره ثبت اسناد واملاک آق قلا

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون تعیین وماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۵۲۲۲ تاریخ ۱۴۰۳/۷/۲۳ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۲۷۰۴۱۱۴۰۹۳۵۵۶۴۰۴۹۷۹۲۹۷۶۶۸ تصرفات مالکانه وبلا معارض متقاضی آقای تاج بردی توکلی فرزند رجب قلی به شماره شناسنامه ۱۰۹ کد ملی ۴۹۷۹۲۹۷۶۶۸ صادره آق قلا درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۴۲۹،۵۳ مترمربع مفروز ومجزی شده جزیی ازپلاک شماره ۲ اصلی واقع دراراضی قریه دوگونچی بخش ۶ حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا ازسهمی رجب قلی توکلی تایید گردیده است ،لذا به منظور اطلاع مراتب دردونوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود، ازاین رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند، از تاریخ انتشاراولین اگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس ازاخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۴/۰۲/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴/۰۳/۱۳
مهناز جهانفر
رییس اداره ثبت اسناد واملاک آق قلا

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

هیات حل اختلاف مستقر دراداره ثبت اسناد واملاک شهرستان پیرانشهر به شرح آرای صادره هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک پیرانشهر، تصرفات مفروزی ومالکانه متقاضیان مشروحه ذیل واقع در پلاک ۱۴۱-اصلی بخش ۱۱-ارومیه روستای آوشینان را تایید و رای به صدور سند مالکیت آنها صادرنموده که مراتب بشرح ذیل جهت اطلاع عموم آگهی می گردد: ۱- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۴۳۹/۰۸ مترمربع تحت پلاک ۷۷ فرعی از ۱۴۱ اصلی روستای آوشینان مورد تقاضای آقای مصطفی محمدی اصل بشماره ملی ۲۸۹۹۲۲۲۷۱۶ و آقای جمال محمدی اصل به شماره ملی ۲۸۹۹۲۲۲۷۳۲ هر کدام به اندازه سهم مشخص از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی برابر مدارک موجود در پرونده بنا به رای صادره دراجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه اجرایی آن مراتب دردونوبت بفاصله ۱۵ روز جهت اطلاع عموم ومالکین مشاعی وسایر صاحبان حقوق آگهی می شود، لذا درصورتی که اشخاص به آراء صادره اعتراضی داشته باشند، باید از تاریخ انتشار نوبت اول ودرروستاها از تاریخ الصاق درمحل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد واملاک پیرانشهر تسلیم ورسید اخذ نماید .معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه محل نماید وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت تحویل نماید ودراین صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه خواهد بود . درصورتیکه اعتراض درمهلت قانونی واصل نگردد، یا معترض گواهی مشعر بر تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید صدور سند مالیکت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود .

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴/۰۳/۱۳
شناسه آگهی: ۱۹۲۸۰۴۵